

فصلنامه علمی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء (س)

سال شانزدهم، شماره ۵۱، تابستان ۱۴۰۳

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۱۰۳-۷۷

بررسی تأثیر جنسیت و سن بر کاربرد دشواژه‌ها در گفتار گویشوران فارسی زبان^۱

زهرا خالقی^۲، آوا ایمانی^{۳*}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۰۴

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی تأثیر دو عامل «جنسیت» و «سن» بر کاربرد «دشواژه‌ها» در گفتار روزمره گویشوران زبان فارسی است. برای دستیابی به این هدف از پرسشنامه‌ای محقق ساخته بهره گرفتیم و آن را به صورت تصادفی میان ۵۲۳ زن و مرد فارسی زبان در ۴ گروه سنی مختلف (۲۵-۱۵ سال، ۳۵-۲۶ سال، ۴۵-۳۶ سال و بالای ۴۵ سال) توزیع کردیم. این پژوهش از جنبه روش شناسی، میدانی و پیمایشی بوده و ماهیتاً توصیفی-تحلیلی است. داده‌های گردآمده از پرسشنامه برپایه تلفیقی از آرای باتیستلا (Batistella, 2005)، جی (Jay, 2009) و وارداف (Wardhaugh, 2006) در پیوند با دسته‌بندی «دشواژه‌ها» تحلیل شدند. یافته‌های برآمده از تحلیل‌های آماری با بهره‌گیری از آزمون‌های تی، تحلیل واریانس و توکی نشان داد مردان در حالت عادی و نیز عصبانیت بیشتر از زنان از «دشواژه» استفاده می‌کنند و میانگین کاربرد دشواژه‌های رکیک‌تر در مردان بالاتر است. افزون‌براین، یافته‌ها نشان داد زنان و مردان فارسی‌زبان به‌طور کلی از شش دسته از دشواژه‌ها در گفتار روزمره خود بهره می‌گیرند که فراوانی دشواژه‌های مربوط به دسته‌های «مسائل جنسی»، «دفعیات بدن» و «انگ‌ها» در مردان بالاتر است؛ درحالی‌که در گفتار زنان فراوانی دشواژه‌های مربوط به دسته «مرگ و بیماری

^۱ شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jlr.2023.42897.2258

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه زبان‌شناسی همگانی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران؛ z.khaleqi@ltr.basu.ac.ir

^۳ استادیار گروه زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران (نویسنده مسئول)؛ ava.imani@basu.ac.ir

نفرین)» بیشتر است. همچنین، روشن شد تفاوت میزان به‌کارگیری دشواژه در بین گروه‌های سنی مختلف از جنبه آماری معنادار است: در بیشتر موارد و در هر دو حالت عادی و عصبانیت، شرکت‌کنندگان ۲۵-۱۵ ساله دشواژه‌های بیشتر و رکیک‌تری را نسبت به سه گروه سنی دیگر به کار می‌بردند؛ درحالی‌که در مورد افراد ۴۵ سال به بالا این موضوع کاملاً برعکس است.

واژه‌های کلیدی: دشواژه، جنسیت، سن، زبان‌شناسی اجتماعی، زبان فارسی

۱. مقدمه

زبان به‌عنوان جایگاهی برای تجلی نگرش‌ها و بن‌مایه‌های روانی همواره تحت تأثیر ویژگی‌های جامعه قرار دارد و ویژگی‌های اجتماعی بر تفکر و رفتار کلامی گویشوران تأثیرگذار هستند. بازتاب برخی از متغیرهای اجتماعی در زبان و تفاوت در کاربرد زبان توسط گویشوران زن و مرد امری اجتناب‌ناپذیر است که توجه پژوهشگران بسیاری را در حوزه زبان‌شناسی اجتماعی به خود جلب کرده است (Wardhaugh, 2009; Holmes, 2013; Wene & Ena, 2020; Gao, 2008; Lakoff & Bucholtz, 2004). در میان متغیرهای گوناگونی که تاکنون مورد بررسی قرار گرفته‌اند، «جنسیت» به‌عنوان متغیری دارای اهمیت، سهم بزرگی را به خود اختصاص داده است. بررسی وجود یا عدم وجود ارتباط میان کاربرد مقوله‌های زبانی مختلف با عامل «جنسیت»، بررسی ویژگی‌های زبان زنان و مردان و تبیین چگونگی این تفاوت‌ها از جمله موضوعات مهمی است که تاکنون به‌وسیله پژوهشگران این حوزه بررسی شده است. برای نمونه، لیکاف و باچولتز (Lakoff & Bucholtz, 2004)، در همین راستا، ویژگی‌های گوناگونی را برای زبان زنان بیان می‌کنند: بهره‌گیری از صورت‌های مؤدبانه، رنگ‌واژه‌ها و صفات خاص، پرسش‌های تأییدی^۱، تکیه‌های تأکیدی^۲ و گفتار غیرمستقیم از جمله این ویژگی‌ها هستند. روی هم رفته، «تحلیل چگونگی تعامل زنان به‌شناسایی برخی ویژگی‌های زبانی انجامیده است که می‌توان آن‌ها را تسهیل‌گر، مشارکت‌جو و دیگرمحور^۳ توصیف کرد؛ این در حالی است که گفتار مردان برعکس زنان رقابت‌طلبانه، منطقی و خشن است» (Holmes, 1992, p. 131).

در میان مقوله‌های زبانی گوناگون که به آن‌ها اشاره شد، موضوع ادب و کاربرد «دشواژه»^۴ مسئله اصلی در پژوهش حاضر است و ارتباط آن با عامل «جنسیت» و «سن» در این جستار مورد

¹ tag question

² emphatic Stress

³ other-oriented

⁴ taboo word

بررسی قرار می‌گیرد. در این راستا، جی (Jay, 2009, p. 155) بر این باور است که دلایل استفاده کردن یا استفاده نکردن از دشواژه به اهداف مکالمه گوینده بستگی دارد و دشنام‌دادن مانند استفاده از پدال گاز در ماشین است که می‌تواند احساسات مختلفی مانند عصبانیت، لذت، شگفت و مانند آن را نشان دهد. به باور جی (Jay, 2009, p. 156) جنسیت و سن هر دو بر انتخاب و فراوانی واژه‌ها تأثیر گذارند. مردان نسبت به زنان بیشتر در محیط‌های عمومی دشنام می‌دهند و از واژه‌های رکیک بیشتر از زنان بهره می‌گیرند.

افزون بر متغیر «جنسیت»، «سن» نیز عامل اجتماعی مهم دیگر است که بر چگونگی کاربرد زبان تأثیر بسزایی دارد. این تأثیر می‌تواند در سطح‌های مختلف زبان همچون انتخاب واژگان و اصطلاح‌ها، دستور زبان و مانند آن، نمایانده شود. روشن است زبان کودکان با نوجوانان متفاوت بوده و افراد در سنین نوجوانی مشابه بزرگسالان صحبت نمی‌کنند. استفاده از «دشواژه‌ها» نیز به دور از این امر نیست. در این زمینه، جی (Jay, 2009, p. 155) ادعا می‌کند که دشنام‌دادن در همه رده‌های سنی دیده می‌شود ولی میزان بهره‌گیری از دشواژه‌ها در سال‌های نوجوانی به اوج خود می‌رسد و از آن به بعد کاهش پیدا می‌کند. یکی از فرضیه‌های پژوهش حاضر نیز این است که میان به کارگیری «دشواژه‌ها» در گروه‌های سنی مختلف تفاوت وجود دارد.

هدف از پژوهش حاضر، بررسی ویژگی‌های زبانی گفتار روزمره گویشوران فارسی زبان تحت تأثیر دو عامل اجتماعی «جنسیت» و «سن» است. در این جستار، فقط به بررسی «دشواژه‌ها» پرداختیم و تحلیل دیگر ویژگی‌های مورد نظر لیکاف را به پژوهش‌های آتی واگذار می‌کنیم. مسئله اصلی در پژوهش حاضر تحلیل و تبیین چگونگی کاربرد «دشواژه‌ها» به وسیله گویشوران فارسی تحت تأثیر عوامل «جنسیت» و «سن» به عنوان مهم‌ترین متغیرهای اجتماعی است و در راستای هدف مورد اشاره می‌کشیم تا به پرسش‌های پژوهش پاسخ دهیم: نخست اینکه، جنسیت چگونه بر میزان فراوانی و کاربرد انواع «دشواژه‌ها» در گفتار روزمره گویشوران فارسی زبان تأثیر گذار است؟ دوم آنکه، سن به عنوان یک متغیر اجتماعی چه تأثیری بر کاربرد «دشواژه‌ها» در گفتار گویشوران فارسی دارد؟ سوم آنکه، گویشوران فارسی زبان کدام دسته از «دشواژه‌ها» را در گفتار روزمره خود به کار می‌گیرند؟

۲. پیشینه پژوهش

مفهوم ادب و در مقابل آن «دشواژه‌ها» دیرزمانی است که به وسیله زبان‌شناسان اجتماعی از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته‌اند. روشن است محدودیت‌های هر فرهنگ و هنجارهای اجتماعی تا اندازه‌ای مانع از پرداختن شفاف به موضوع «دشواژه» شده‌است و بیشتر پژوهش‌های

این حوزه تا اندازه‌ای از این کاستی برخوردارند؛ این کمبود و خلأ پژوهشی در آثار پژوهشگران ایرانی نیز آشکار است. بیشتر پژوهش‌های انجام گرفته درباره «دشواژه‌ها» در زبان فارسی بر روی متون یا فیلم متمرکز بوده‌اند و پژوهش‌های پیشین در زمینه گفتار نیز در زبان فارسی بسیار اندک و انگشت‌شمارند. در ادامه، به مرور برخی از مهم‌ترین پژوهش‌های انجام‌شده درباره «دشواژه‌ها» می‌پردازیم:

القحطانی و همکاران^۱ (Alqahtani et al., 2022) کاربرد دشواژه‌ها را در جامعه عرب سعودی بررسی کرده‌اند. در این پژوهش به سه موضوع اصلی در مورد تابوها^۲ اشاره شده است: کاربرد «دشواژه‌ها» در بافت‌های اجتماعی، کاربرد دشواژه‌های جنسی و کاربرد ناسزاها^۳. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در جامعه سعودی به‌ندرت از دشواژه بهره گرفته می‌شود و افراد برای پرهیز از کاربرد آن به حسن تعبیر^۴ روی می‌آورند. برای نمونه، موضوع‌های جنسی که در برخی فرهنگ‌ها آشکارا بدان پرداخته می‌شود، در فرهنگ سعودی قدغن است. یافته‌ها همچنین نمایانگر آن است که «جامعه سعودی نسبت به ناسزاها - که فرهنگ و دین آن‌ها را ممنوع کرده است - بسیار حساس است؛ با این حال زنان جوان تر بسته به موقعیت از آن استفاده می‌کنند، موضوعی که نشان می‌دهد نسل جدید زنان سعودی به آرامی در حال ایجاد تغییرات زبانی در این جامعه هستند» (Alqahtani et al., 2022, p. 561).

ون و انا (Wene & Ena, 2020) افزون بر بررسی گونه‌های مختلف دشواژه‌های به‌کاررفته در فیلم «Dallas Buyers Club»، به دلایل بهره‌گیری شخصیت‌ها از «دشواژه‌ها» نیز پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش نمایانگر آن است که در این فیلم از ۵ گونه دشواژه بهره گرفته شده که نفرین‌ها^۵ بیشترین فراوانی را در بر دارند. پژوهشگران همچنین دریافته‌اند که دلایل بهره‌گیری از «دشواژه‌ها» شوخ‌طبعی، شرایط روانی، هویت قومی و طبقه اجتماعی است (Wene & Ena, 2020, p. 71).

حسینی (Houssaini, 2019) پدیده تابو را در جامعه مراکشی از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی مورد بررسی قرار داده و تأثیر عامل‌های اجتماعی و موقعیتی را بر تابو بررسی کرده است. در این پژوهش درباره تولید زبان تابو، خشونت‌ها و بهره‌گیری از حسن تعبیر بحث شده و یافته‌ها بیانگر آن است که ارتباط نزدیکی میان کاربرد «دشواژه‌ها» و حسن تعبیر و بافت وجود دارد.

رهمایانی و فیتراواتی (Rahmayani & Firtawati, 2018) در مقاله‌ای نوع و کاربرد

¹ Alqahtani, S.M.

² taboo

³ taboo swear words

⁴ euphemism

⁵ cursing

دشوآژه‌های موجود در فیلم «*Wolf of Wall Street*» را مورد بررسی قرار داده‌اند. در این پژوهش که از دسته‌بندی نه گانه جی (Jay, 1996) برای استخراج داده‌ها استفاده شده، تمرکز فقط بر روی کاربرد دشوآژه‌ها بوده و اثر جنسیت مورد بررسی قرار نگرفته‌است. ساری (Sari, 2020) نیز در پژوهشی مشابه گونه‌های مختلف دشوآژه‌های به کاررفته در فیلم «*Parker*» را بر مبنای دسته‌بندی چهارگانه باتیستلا (Batisttella, 2005) استخراج کرده و متغیر جنسیت را در پژوهش خود در نظر نگرفته‌است.

گائو (Gao, 2013) گونه‌های مختلف دشوآژه‌های موجود در زبان انگلیسی را مورد بررسی قرار داده و در مواردی نیز به مقایسه تابوهای انگلیسی و چینی پرداخته‌است. دفعیات بدن^۱، مرگ و بیماری^۲، مسائل جنسی^۳، واژه‌های چهارحرفی^۴، زبان تبعیض آمیز^۵ و حریم خصوصی^۶ از جمله دسته‌های معرفی شده برای دشوآژه‌های موجود در زبان انگلیسی هستند. در این پژوهش، بهره‌گیری از حسن تعبیر برای کاستن از تنیدی «دشوآژه‌ها» پیشنهاد شده‌است. در پژوهشی دیگر، گائو (Gao, 2008) به تحلیل کاربرد زبان تابو در مکالمه‌های زنان و مردان (در بافت‌های هم‌جنس و غیرهم‌جنس) در سریال تلویزیونی آمریکایی «*Sex and the City*» پرداخته‌است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که زنان و مردان در مکالمه با هم‌جنسان خود، نسبت به هنگامی که گفت‌وگو در بافت غیرهم‌جنس در جریان است، بیشتر از زبان تابو بهره می‌گیرند. افزون‌بر موارد مورد اشاره، رضایی و همکاران (Rezaee et al., 2023)، حشمدار و رفیع (Hashamdar & Rafi, 2018)، تفرجی یگانه (Tafaraji Yeganeh, 2017) و ارباب (Arbab, 2013) نیز به بررسی موضوع دشوآژه‌ها و تابوهای زبانی پرداخته‌اند.

مرور پژوهش‌های پیشین در این بخش نشان داد که کاربرد «دشوآژه‌ها» در گونه گفتاری زبان فارسی، به‌ویژه گفتار روزمره، تاکنون به‌شکلی دقیق و آن هم در قالب یک پژوهش پیمایشی مورد بررسی قرار نگرفته‌است و در این زمینه، پژوهشی به انجام نرسیده‌است. همچنین، در هیچ‌یک از پژوهش‌های گذشته تأثیر دو متغیر «جنسیت» و «سن» بر کاربرد این مقوله زبانی مورد بررسی قرار نگرفته‌است. بنابراین، با توجه به اصالت و ارجحیت گونه گفتار و محاوره‌ای بر دیگر گونه‌ها و سبک‌های زبانی، تحلیل دشوآژه‌ها از این دیدگاه دارای اهمیت و بدیع بوده‌است. یافته‌ها و

¹ bodily excretions

² death and disease

³ sex

⁴ four-letter words

⁵ discriminatory language

⁶ privacy

دستاوردهای تحلیل دشواژه‌ها می‌تواند در گسترش مطالعات زبان‌شناسی، به‌ویژه زبان‌شناسی اجتماعی، مطالعات جنسیت و همچنین در آموزش مقوله‌واژگانی دشواژه‌ها به فارسی‌آموزان و همچنین برای مترجمان خارجی مفید و راهگشا باشد و مورد استفاده بسیاری از پژوهشگران زبان‌شناسی، آموزش زبان و مطالعات ترجمه قرار گیرد.

۳. مبانی نظری

بر مبنای تعریف فرهنگ‌واژگان کمبریج^۱، تابو موضوع، واژه یا فعلی است که به دلایل اجتماعی یا مذهبی از آن پرهیز می‌شود. مفهوم تابو تا اندازه بسیاری نسبی بوده و می‌تواند از جامعه‌ای به جامعه دیگر، یا حتی در طبقه‌های مختلف یک جامعه، متفاوت باشد. آنچه امروزه ناسزا یا دشنام نامیده می‌شود را می‌توان معادل دشواژه دانست که برخی آن را زبان بد^۲ نیز می‌خوانند. بر مبنای دیدگاه باتیستلا (Batisttella, 2005, p. 72) زبان بد را می‌توان در چهار دسته قرار داد:

جدول ۱: انواع زبان بر مبنای دسته‌بندی باتیستلا (Batisttella, 2005)

تعریف	گونه زبانی تابو
گونه‌های مختلف دشنام مانند <i>bitch</i> در زبان انگلیسی را در بر می‌گیرند. این دسته معمولاً به نژاد، جنسیت و قومیت دلالت دارند، ولی ممکن است به‌ظاهر، معلولیت یا دیگر ویژگی‌ها نیز اشاره کنند.	(۱) انگ‌ها ^۳
دشنام‌های مذهبی که از <i>hell</i> یا <i>damn</i> تا <i>goddamn</i> متفاوت هستند.	(۲) کفرگویی ^۴
واژه‌ها یا اصطلاح‌هایی مانند <i>shit</i> و <i>fuck</i> هستند که تفاوت‌های بدن زن و مرد و یا اعمال دفعی یا جنسی را به‌طور رکیکی بیان می‌کنند. تفاوت میان دو دسته مربوط به بددهنی‌های عوامانه ^۵ را در میزان شدت و آشکاربودن آن‌ها است.	(۳ و ۴) بددهانی‌های عوامانه ^۵

ولی جی (Jay, 2009, p. 154) بر این باور است که تابوها در زبان انگلیسی عمدتاً در ۹

دسته قرار می‌گیرند که جزئیات آن به شرح جدول (۲) آورده شده‌است:

¹ Cambridge Dictionary. (2019, December 4). *TABOO / meaning in the Cambridge English Dictionary*. Cambridge.org.

<https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/taboo>

² offensive/bad language

³ epithets

⁴ profanity

⁵ vulgarity and obscenity

جدول ۲: انواع تابو در زبان انگلیسی بر مبنای دسته‌بندی جی (Jay, 2009)

نمونه	دسته‌بندی
<i>blow job, cunt</i>	(۱) مسائل جنسی
<i>Goddamn, Jesus Christ</i>	(۲) کفرگویی (توهین به کلیسا) ^۱
<i>Shit, crap</i>	(۳) نجاسات و چیزهای چندش‌آور
<i>Bitch, pig, ass</i>	(۴) اسامی برخی حیوانات
<i>Nigger, fag, dago</i>	(۵) توهین به جنسیت، نژاد، قوم
<i>Retard, wimp, lard ass</i>	(۶) توهین به انحرافات اجتماعی، فیزیکی و روانی
<i>Fart face, on the rag</i>	(۷) بددهانی‌های عوامانه
<i>Cluster fuck, tit run</i>	(۸) اصطلاح‌های کوچه‌بازاری
<i>Son of a bitch, bastard</i>	(۹) کنایات نَسبی ^۲

از سوی دیگر، به باور وارداف (Wardhaugh, 2009) «تابو شامل هر گونه موضوع یا مفهومی است که به اجتناب یا ممنوعیت هر رفتاری در جامعه اشاره دارد و به اعضای آن آسیب زده و باعث عصبانیت، آبروریزی یا شرمندگی آن‌ها می‌شود. بدین ترتیب تا آن‌جا که به زبان مربوط می‌شود، برخی چیزها نباید گفته شوند یا فقط تحت شرایط خاصی مورد استفاده قرار بگیرند. البته همیشه کسانی هستند که برای نشان دادن آزادی خود از بند محدودیت‌های اجتماعی از تابوها استفاده می‌کنند.» (Wardhaugh, 2009, p. 239) وارداف (همان) در همین راستا موضوعات تابو را به چهار دسته شامل مسائل جنسی، مرگ، دفعیات بدن و مسائل دینی و سیاسی دسته‌بندی می‌کند. پژوهش حاضر برای دسته‌بندی و ارائه یک تحلیل منسجم و جامع از دشواژه‌ها، تلفیقی از دسته‌بندی وارداف (Wardhaugh, 2009)، باتیستلا (Batistella, 2005) و جی (Jay, 2009) را مبنا قرار داده است که جزئیات آن به شرح زیر است:

۱. انگ‌ها: گونه‌های مختلف دشنام که هدف از آن‌ها تحقیر یا نسبت‌دادن صفتی منفی به مخاطب است؛ مانند مرتیکه/زنیکه/احمق، پفیوز و موارد مشابه.
۲. تشبیه به حیوانات: نسبت دادن نام‌های حیوانات به یک اتفاق یا فرد؛ مانند خر، کفتار، گاو، سگ، لاشخور و مانند آن.
۳. دفعیات بدن: واژه‌ها و کنش‌هایی که به نجاسات و دفعیات/فضولات بدن اشاره می‌کنند؛

¹ blasphemous

² ancestral allusions

³ animal imagery

مانند گه، شاش، ریغ*ن و موارد مشابه.

۴. مرگ و بیماری: عبارت‌ها و اصطلاح‌هایی که مربوط به بیماری و مرگ هستند؛ مانند الهی بمیری، درد بگیری، مرض و مانند آن.
۵. مسائل جنسی: هر واژه، عبارت یا اصطلاحی که به کنش‌ها/ روابط جنسی یا اندام‌های تناسلی اشاره دارند؛ مانند فاحشه، حرامزاده، ک*کش و موارد مشابه.
۶. سیاست و دین^۱: توهین به شخصیت‌ها یا اعمال سیاسی و دینی.

۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر ماهیتاً توصیفی-تحلیلی و از جنبه روش‌شناختی از نوع میدانی و پیمایشی است؛ این پژوهش هم از مؤلفه‌های کیفی و هم از رویکرد کمی بهره می‌گیرد. مؤلفه‌های کیفی پژوهش مبتنی بر دیدگاه‌ها و تقسیم‌بندی‌های وارداف (Wardhaugh, 2009)، باتیستلا (Batistella, 2005) و جی (Jay, 2009) در مورد دشواژه‌ها است. رویکرد کمی هم مشتمل بر آمار توصیفی و استنباطی برای محاسبه توزیع فراوانی گونه‌های مختلف دشواژه و سنجش میزان معناداری و همبستگی آن‌ها با عوامل جنسیت و سن است. برای گردآوری داده‌ها، نخست از طریق مصاحبه و گفتگوی شفاهی از گویشوران خواسته شد تا فهرستی از پربسامدترین دشواژه‌هایی را که معمولاً به صورت روزمره و در موقعیت‌های مختلف در گفتار خود با افراد مختلف به کار می‌برند را بیان کنند. سپس برای سنجیدن درستی و نادرستی کاربرد آن‌ها و همچنین برای تکمیل فهرست انواع دشواژه‌های مورد استفاده در گفتار محاوره گویشوران، موارد گردآوری‌شده با نمونه‌های مستخرج از گفت‌وگوهای موجود در برخی رمان‌های عامیانه نیز مقایسه و تطبیق داده شده‌اند. گفتنی است برای استخراج نمونه‌ها از رمان‌ها، از نسخه‌های اصلی موجود در کتابخانه دانشگاه‌های خارجی (برلین و اوپسالا) که دستخوش تغییرات وزارت ارشاد نشده‌اند، بهره گرفته شده‌است. همچنین، ملاک انتخاب رمان‌ها از جنبه زمانی نیز به این صورت بوده که ۶ رمان مربوط به قبل از انقلاب و ۶ رمان نیز بعد از انقلاب از ۶ نویسنده زن و مرد به صورت تصادفی انتخاب شده‌است. در مرحله استخراج شواهد و انتخاب نمونه‌ها برای اطمینان بیشتر، از ششم زبانی نگارندگان نیز بهره گرفته شده‌است تا کاربرد موارد گزینش‌شده برای هر دسته تأیید شود. در پایان، ۱۵ نمونه دشواژه پربسامد و رایج از ۶ دسته انتخابی پژوهش حاضر، گزینش شد. در ادامه، برای گردآوری داده‌ها مستقیماً از گفتار روزمره گویشوران از پرسشنامه‌ای محقق‌ساخته بهره گرفتیم که ابتدا روایی آن توسط ۸ نفر از اساتید رشته‌های جامعه‌شناسی، روانشناسی، زبان‌شناسی،

¹ politics and religion

و زبان انگلیسی تأیید شده است و در ادامه پایایی آن با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ محاسبه و معادل ۰.۷۵۱. به دست آمد. پرسشنامه مورد اشاره در مرحله بعد به صورت الکترونیکی تنظیم و به روش تصادفی در اختیار ۵۲۳ زن و مرد فارسی زبان قرار گرفت که ۲۶۴ نفر از این تعداد را زنان و ۲۵۹ نفر را مردان تشکیل می دهند؛ تعداد شرکت کنندگان (پاسخ دهندگان) در این پرسشنامه به تفکیک هر رده سنی به شرح زیر است:

۱۵ تا ۲۵ سال: ۱۰۸ نفر

۲۶ تا ۳۵ سال: ۱۶۷ نفر

۳۶ تا ۴۵ سال: ۱۲۵ نفر

بالاتر از ۴۵ سال: ۱۲۳ نفر

در مرحله طراحی و اجرای پرسشنامه از میان چند رمان فارسی^۱ که به صورت تصادفی انتخاب شده اند، برای هر طبقه در چهارچوب دسته بندی تلفیقی مورد نظر، یک یا چند مصداق انتخاب و از شرکت کنندگان خواسته شده است تا میزان استفاده خود از این دشواژه ها را بر اساس طیف لیکرت^۲ ۵-درجه ای از «خیلی زیاد» تا «هرگز» بیان کنند؛ در این میان، دشواژه های بخش اول برای سنجش فراوانی آن ها در گفتار گویشوران در حالت عادی گنجانده شده اند و دشواژه های بخش دوم نیز برای سنجش میزان فراوانی آن ها در حالت عصبانیت انتخاب شده اند.

در نهایت و پس از پایان گردآوری پرسشنامه ها، داده های به دست آمده مورد تحلیل و آزمون های آماری قرار گرفتند تا معناداری یا عدم معنادار نبودن و ارتباط آن ها با دو عامل جنسیت و سن مشخص گردد. لازم به اشاره است هیچ گونه پاسخ گمشده یا نامربوطی در یافته ها دیده نشد و همه پاسخ های ارائه شده در پرسشنامه ها معتبر بودند. همچنین بر مبنای قضیه حد مرکزی، با توجه به بالابودن شمار داده ها، پراکندگی آن ها نرمال در نظر گرفته شده است؛ از این رو، برای بررسی تأثیر جنسیت و سن بر به کارگیری «دشواژه ها» به ترتیب از آزمون های پارامتری تی^۳، تحلیل واریانس^۴ و توکی^۵ بهره گرفته شد که یافته های آن در بخش تحلیل داده ها گزارش می شود.

^۱ از جمله رمان های فارسی که برای استخراج نمونه ها از آن ها بهره گرفتیم عبارتند از: داستان یک شهر (ا. محمود، ۱۳۵۸)؛ آواز کشتگان (ر. براهنی، ۱۳۶۲)؛ سووشون (س. دانشور، ۱۳۴۸)؛ فریدون سه پسر داشت (ع. معروفی، ۱۳۸۰)؛ سنگ صبور (ص. چوبک، ۱۳۴۵)؛ جزیره سرگردانی (س. دانشور، ۱۳۷۲)؛ علویه خانم و ولنگاری (ص. هدایت، ۱۳۲۲).

^۲ Likert scale

^۳ t-Test

^۴ ANOVA

^۵ Tukey

۵. تحلیل داده‌ها و بحث

همان‌گونه که در بخش پیشین شرح داده شد، مصداق‌های مورد پرسش در پرسشنامه از طریق مصاحبه شفاهی با گویشوران و نیز از میان برخی رمان‌های فارسی که به روش تصادفی گزینش شدند، استخراج شده‌اند؛ نمونه این مصداق‌ها در ادامه به صورت جداگانه در دسته‌بندی تلفیقی شش‌گانه مورد نظر ارائه شده‌است:

۷. انگ‌ها

- «...مرتیکه دیوٹ خجالت نمی کشی اینجا نشستی، ولی زنت با مأمورهای ساواک جناب می شکند؟» (آواز کشتگان، ۳۲۴)

۸. تشبیه به حیوانات

- «یوسف تا چشمش به نان افتاد گفت: گوساله‌ها، چطور دست میرغضبشان را می بوسند! چه نعمتی حرام شده و آن هم در چه موقعی...»^۱

۹. دفعیات بدن

- «... آقا شمش کف کرده، هان؟ فهمیدم کاسه زیر نیم کاسس.»^۲

مرگ و بیماری

- «... الهی به حق ناله‌های دل ام‌لیلا که رو تخته مردشور بیفته: تو رو بت می شه گفت مرد؟»^۳

۱۰. مسائل جنسی

- «... گوهر کیه؟ هم فاحشه هم گدا. مگه صیغه رو با فاحشه فرقی داره؟»^۴

۱۱. توهین به سیاست و دین

- این کثافت‌بازی‌های سیاسی رو دیگه تمومش کنید و جانماز آب نکشید خر مذهبی لعنتی!

در ادامه، یافته‌های به دست آمده از تجزیه و تحلیل داده‌های پرسشنامه در قالب دو زیربخش «تأثیر جنسیت بر کاربرد دشواژه‌ها» و «تأثیر سن بر کاربرد دشواژه‌ها» به شرح زیر ارائه می‌شود:

^۱ برگرفته از رمان سووشون، صفحه ۵

^۲ برگرفته از رمان علویه خاتم و ولنگاری، صفحه ۴۳

^۳ برگرفته از کتاب سنگ صبور، صفحه ۱۵

^۴ برگرفته از کتاب سنگ صبور، صفحه ۲۸

۵-۱. تأثیر جنسیت بر کاربرد «دشوازه»

بررسی آماری داده‌های به‌دست آمده از پرسشنامه نشان می‌دهد که میان زنان و مردان -در هر دو حالت عادی و عصبانیت- تفاوت معناداری در بهره‌گیری از دشوازه‌ها وجود دارد (سطح معناداری برای هر دو حالت کم‌تر از خطای ۰.۵۰ به‌دست آمد $(P < 0.05)$). افزون‌براین، از جنبه کاربردی نیز اغلب دشوازه‌های مورد استفاده به‌وسیله زنان و مردان با یک‌دیگر متفاوت است. جزئیات این تفاوت‌ها در جداول (۳) و (۴) گزارش شده‌است:

جدول ۳: میانگین به‌کارگیری دشوازه میان زن‌ها و مردها در حالت عادی و عصبانیت

جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	T	درجه آزادی	سطح معناداری
عادی	زن	۲۶۴	۲,۰۵۵۸	-۳,۹۴۲	۵۱۴,۶۱۵	۰,۰۰۰*
	مرد	۲۵۹	۲,۳۲۷۹			
عصبانیت	زن	۲۶۴	۲,۰۵۸۷	-۱,۹۷۷	۵۲۱	۰,۰۴۹*
	مرد	۲۵۹	۲,۱۹۵۰			

همان‌گونه که می‌بینید میانگین کاربرد «دشوازه‌ها» در حالت عادی در مردان ۳۲۷۹.۲ و در زنان ۰۵۵۸.۲ برآورد شده، به‌بیان‌دیگر، مردان در حالت عادی بیشتر از زنان از دشوازه‌ها استفاده می‌کنند. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد این الگو برای حالت عصبانیت نیز کاربرد دارد؛ میانگین به‌دست آمده (۰۵۸۷.۲ برای زنان و ۱۹۵۰.۲ برای مردان) نشان می‌دهد مردان در حالت عصبانیت نیز بیشتر از زنان دشنام می‌دهند.

بررسی تک‌به‌تک دشوازه‌های مورد بررسی در پرسشنامه نشان می‌دهد تفاوت چشمگیری در بهره‌گیری از دشوازه‌های «مرتیکه/زنیکه»، «گ*ه/گ*ه خوردن» و «خر/نره‌خر/الاغ/گاو/گوساله/مانند آن» میان زنان و مردان وجود ندارد، زیرا سطح معناداری آزمون تی مستقل برای این مصداق‌ها به ترتیب ۰.۹۳۸، ۰.۳۹۶ و ۰.۰۷۷ به دست آمده که بیشتر از خطای ۰.۰۵ است $(P > 0.05)$. با این وجود از یافته‌های جدول (۳) این‌گونه نتیجه‌گیری می‌شود که میزان به‌کارگیری ۱۲ دشوازه دیگر در میان دو جنس متفاوت و سطح معناداری به‌دست آمده کم‌تر از ۰.۰۵ است $(P < 0.05)$. میانگین استفاده زنان و مردان از این عبارت‌ها نشان می‌دهد مردان بیشتر از زنان از دشوازه‌های «پفیوز»، «قرمساق»، «حرومزاده»، «پتیاره/لکاته/فاحشه»، «ج*ا*ش»، «ج*ند*»، «گ*ه/گ*ه خوردن»، «به‌تخ*م*»، «پدرسگ» و «دیوث» استفاده می‌کنند. این در حالی است که زنان فقط در دو مورد، میانگین بیشتری را داشتند و میزان بهره‌گیری آن‌ها از

دشواژه‌های «ذلیل‌شده/ ذلیل‌بشی/ بمیری و مانند آن» و «احمق/ بیشعور» از مردان بیشتر است. جدول (۴) که در ادامه آورده شده‌است، جزئیات بیشتری از تأثیر «جنسیت» بر کاربرد این نمونه‌ها به دست می‌دهد:

جدول ۴: میزان به‌کارگیری دشواژه‌ها میان زن‌ها و مردها در حالت عادی

جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	T	درجه آزادی	سطح معناداری
زن	۲۶۴	۲,۲۳	۱,۰۶۳	۰,۰۷۸	۵۲۱	۰,۹۳۸
مرد	۲۵۹	۲,۲۲	۱,۰۱۳			
زن	۲۶۴	۱,۶۳	۰,۹۹۳	-۵,۶۰۵	۵۱۱,۶۸۷	۰,۰۰۰*
مرد	۲۵۹	۲,۱۵	۱,۱۱۶			
زن	۲۶۴	۱,۳۶	۰,۸۲۵	-۵,۱۷۶	۵۰۴,۱۸۵	۰,۰۰۰*
مرد	۲۵۹	۱,۷۷	۰,۹۷۳			
زن	۲۶۴	۱,۸۵	۱,۰۰۹	۴,۱۹۶	۴۸۸,۲۱۶	۰,۰۰۰*
مرد	۲۵۹	۱,۵۲	۰,۷۵۹			
زن	۲۶۴	۱,۹۹	۱,۲۱۵	-۵,۰۴۶	۵۱۴,۳۸۰	۰,۰۰۰*
مرد	۲۵۹	۲,۵۶	۱,۳۳۵			
زن	۲۶۴	۱,۴۹	۰,۹۹۰	-۷,۱۱۲	۴۷۲,۱۳۲	۰,۰۰۰*
مرد	۲۵۹	۲,۲۳	۱,۳۵۵			
زن	۲۶۴	۱,۳۸	۰,۸۰۹	-۲,۱۴۵	۵۱۱,۳۰۵	۰,۰۳۲*
مرد	۲۵۹	۱,۵۴	۰,۹۱۱			
زن	۲۶۴	۱,۶۷	۱,۰۸۷	-۲,۸۱۱	۵۲۱	۰,۰۰۵
مرد	۲۵۹	۱,۹۵	۱,۲۴۴			
زن	۲۶۴	۲,۶۷	۱,۱۸۴	-۰,۸۴۹	۵۲۱	۰,۳۹۶
مرد	۲۵۹	۲,۷۵	۱,۱۳۸			
زن	۲۶۴	۲,۶۶	۱,۳۱۰	-۱,۷۷۲	۵۲۱	۰,۰۷۷
مرد	۲۵۹	۲,۸۶	۱,۲۹۷			
زن	۲۶۴	۱,۹۴	۱,۳۷۷	-۴,۵۲۰	۵۱۷,۵۵۷	۰,۰۰۰*
مرد	۲۵۹	۲,۵۰	۱,۴۶۶			

سطح معناداری	درجه آزادی	T	انحراف معیار	میانگین	تعداد	جنسیت	
*۰,۰۱۹	۵۲۱	-۲,۳۴۹	۱,۳۱۴	۲,۳۱	۲۶۴	زن	«پدرسگ»
			۱,۳۳۷	۲,۵۸	۲۵۹	مرد	
*۰,۰۰۰	۵۲۱	-۳,۶۱۴	۱,۳۵۴	۲,۱۱	۲۶۴	زن	«دیوث»
			۱,۳۴۷	۲,۵۴	۲۵۹	مرد	
*۰,۰۱۳	۵۲۱	۲,۴۹۶	۱,۱۰۴	۳,۳۳	۲۶۴	زن	«احمق / بی‌شعور»
			۱,۰۶۵	۳,۱۰	۲۵۹	مرد	
*۰,۰۰۰	۵۲۱	-۳,۸۳۶	۱,۲۲۶	۲,۲۲	۲۶۴	زن	«تمسخر سیاست و مذهب»
			۱,۳۰۸	۲,۶۴	۲۵۹	مرد	

همان گونه که از یافته‌های جدول (۴) بر می آید، میزان بهره‌گیری مردان از دشواژه‌هایی که درجه رکاکت آن‌ها بالاتر بوده و به مسائل جنسی مربوط می‌شوند، بسیار بیشتر از زنان است. این در حالی است که زنان فقط در دسته‌های مربوط به بیماری و مرگ و ضعیف‌ترین درجه دشواژه‌های مربوط به دسته انگ‌ها - از جنبهٔ رکیک بودن - سهم بیشتری را به خود اختصاص داده‌اند.

همان گونه که در جدول (۳) می‌بینید، کاربرد دشواژه‌ها در حالت عصبانیت نیز میان دو جنس یکسان نیست؛ همهٔ موارد بهره‌گیری از دشواژه‌ها در این حالت به صورت جدول (۵) گزارش می‌شود:

جدول ۵: میزان به کارگیری گونه‌های مختلف دشواژه‌ها میان زن‌ها و مردها در حالت

عصبانیت

سطح معناداری	درجه آزادی	t	انحراف معیار	میانگین	تعداد	جنسیت	
*۰,۰۰۰	۵۱۲,۵۲۴	۴,۳۰۶	۱,۱۶۸	۲,۳۴	۲۶۴	زن	(۱) «الهی/ایشالله بمیری / خدا خفته‌ات کنه» و موارد مشابه
			۱,۰۰۷	۱,۹۳	۲۵۹	مرد	
*۰,۲۵۳	۵۲۱	-۱,۱۴۵	۰,۸۲۰	۱,۴۳	۲۶۴	زن	(۲) «ابوالفضل بزنده به کمرت»، «به حق پنج تن نابود بشی»، «به حق فاطمه‌الزهرا گرفتار و مریض بشی» و مانند آن
			۰,۸۸۶	۱,۵۱	۲۵۹	مرد	

جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	درجه آزادی	سطح معناداری
زن	۲۶۴	۲,۲۸	۱,۴۱۹	-۴,۹۹۵	۵۲۱	*۰,۰۰۰
مرد	۲۵۹	۲,۸۹	۱,۳۶۳			
زن	۲۶۴	۲,۱۹	۱,۲۶۴	-۲,۳۷۳	۵۲۱	*۰,۰۱۸
مرد	۲۵۹	۲,۴۵	۱,۲۶۴			

داده‌های جدول (۵) نشان می‌دهد تفاوت معناداری میان بهره‌گیری زنان و مردان از دشواژه‌های ردیف دوم وجود ندارد ($P > 0.05$)؛ با این حال، متغیر جنسیت بر کاربرد دشواژه‌های سه ردیف دیگر میان زنان و مردان در حالت عصبانیت تأثیر معناداری داشته، چون درجه خطا در این موارد کم‌تر از ۰.۰۵ به دست آمده است. میانگین کاربرد عبارت‌ها نمایانگر آن است که زنان در حالت عصبانیت بسیار بیشتر از مردان از دشواژه‌های دسته مرگ و بیماری استفاده می‌کنند، این در حالی است که فراوانی کاربرد دشواژه‌های مربوط به مسائل جنسی در مردان در حالت عصبانیت به‌طور چشمگیری بیشتر از زنان است.

۲-۵. تأثیر سن بر کاربرد «دشواژه»

نتیجه آزمون آماری تحلیل واریانس برای بررسی تأثیر / عدم تأثیر عامل سن بر کاربرد دشواژه در دو حالت عادی و عصبانیت به‌صورت جدول (۶) برای چهار گروه سنی ۲۵-۱۵، ۳۵-۲۶، ۴۵-۳۶ و بالای ۴۵ سال گزارش می‌شود:

جدول ۶: میانگین کاربرد دشواژه در گروه‌های سنی مختلف در حالت‌های عادی و

عصبانیت

سطح معناداری	تحلیل واریانس (F)	انحراف معیار	میانگین	تعداد	گروه سنی	
۰,۰۰۰*	۱۸,۱۵۷	۰,۸۵۶۹۲	۲,۵۰۴۳	۱۰۸	۱۵-۲۵ سال	حالت عادی
		۰,۷۸۳۹۴	۲,۲۹۹۴	۱۶۷	۲۶-۳۵ سال	
		۰,۷۴۵۷۹	۲,۱۶۰۵	۱۲۵	۳۶-۴۵ سال	
		۰,۶۵۵۵۳	۱,۷۹۷۸	۱۲۳	بالای ۴۵ سال	
۰,۰۰۰*	۱۱,۷۶۹	۰,۸۲۶۰۲	۲,۴۲۸۲	۱۰۸	۱۵-۲۵ سال	حالت عصبی
		۰,۷۲۷۰۰	۲,۱۷۹۶	۱۶۷	۲۶-۳۵ سال	
		۰,۷۸۰۴۵	۲,۰۷۶۰	۱۲۵	۳۶-۴۵ سال	
		۰,۷۵۱۴۵	۱,۸۳۹۴	۱۲۳	بالای ۴۵ سال	

همان‌گونه که در جدول (۶) مشاهده می‌شود، از آن‌جا که سطح معناداری آزمون تحلیل واریانس برای گروه‌های سنی مختلف در دو حالت عادی و عصبانیت کم‌تر از خطای ۰.۰۵ به دست آمده است ($P < 0.05$) می‌توان با اطمینان ۹۵ درصد نتیجه گرفت بهره‌گیری از دشواژه در میان گروه‌های سنی در دو حالت مورد بحث تفاوت معناداری با یکدیگر دارد. از این‌رو، پس از به‌دست آوردن اطمینان از تأثیر سن بر کاربرد دشواژه‌ها، آزمون تعقیبی توکی برای بررسی دقیق‌تر تأثیر این عامل انجام گرفت که یافته‌های آن برای حالت‌های عادی و عصبانیت در جدول (۷) آمده‌است:

جدول ۷: مقایسه دو به دویی کاربرد دشواژه در گروه‌های سنی مختلف در دو حالت

عادی و عصبانیت

سطح معناداری	تفاوت گروه سنی اول از دوم	گروه سنی دوم	گروه سنی اول	
۰,۱۳۱	۰,۲۰۴۹۲	سال ۳۵-۲۶	سال ۲۵-۱۵	حالت عادی
۰,۰۰۴	۰,۳۴۳۷۹*	سال ۴۵-۳۶		
۰,۰۰۰	۰,۷۰۶۴۹*	بالای ۴۵ سال		
۰,۱۳۱	-۰,۲۰۴۹۲	سال ۲۵-۱۵	سال ۳۵-۲۶	
۰,۴۱۵	۰,۱۳۸۸۷	سال ۴۵-۳۶		
۰,۰۰۰	۰,۵۰۱۵۷*	بالای ۴۵ سال		
۰,۰۰۴	-۰,۳۴۳۷۹*	سال ۲۵-۱۵	سال ۴۵-۳۶	
۰,۴۱۵	-۰,۱۳۸۸۷	سال ۳۵-۲۶		
۰,۰۰۱	۰,۳۶۲۷۰*	بالای ۴۵ سال		
۰,۰۰۰	-۰,۷۰۶۴۹*	سال ۲۵-۱۵	بالای ۴۵ سال	
۰,۰۰۰	-۰,۵۰۱۵۷*	سال ۳۵-۲۶		
۰,۰۰۱	-۰,۳۶۲۷۰*	سال ۴۵-۳۶		
۰,۰۴۴	۰,۲۴۸۶۰*	سال ۳۵-۲۶	سال ۲۵-۱۵	حالت عصبانیت
۰,۰۰۳	۰,۳۵۲۲۴*	سال ۴۵-۳۶		
۰,۰۰۰	۰,۵۸۸۸۱*	بالای ۴۵ سال		
۰,۰۴۴	-۰,۲۴۸۶۰*	سال ۲۵-۱۵	سال ۳۵-۲۶	
۰,۶۶۳	۰,۱۰۳۶۴	سال ۴۵-۳۶		
۰,۰۰۱	۰,۳۴۰۲۱*	بالای ۴۵ سال		
۰,۰۰۳	-۰,۳۵۲۲۴*	سال ۲۵-۱۵	سال ۴۵-۳۶	
۰,۶۶۳	-۰,۱۰۳۶۴	سال ۳۵-۲۶		
۰,۰۷۳	۰,۲۳۶۵۷	بالای ۴۵ سال		
۰,۰۰۰	-۰,۵۸۸۸۱*	سال ۲۵-۱۵	بالای ۴۵ سال	
۰,۰۰۱	-۰,۳۴۰۲۱*	سال ۳۵-۲۶		
۰,۰۷۳	-۰,۲۳۶۵۷	سال ۴۵-۳۶		

مقایسه دوبه‌دویی شرکت کنندگان در گروه‌های سنی متفاوت نشان می‌دهد افراد در گروه سنی ۱۵ تا ۲۵ سال در حالت عادی به‌طور معناداری بیشتر از همتایان خود در رده‌های ۳۶ تا ۴۵ و

بالای ۴۵ سال از دشواژه بهره می گیرند ($P < 0.05$)؛ باین وجود، تفاوت میزان کاربرد دشواژه میان این گروه با گروه ۲۶ تا ۳۵ سال معنادار نیست (سطح معناداری در میان این دو گروه بیشتر از خطای ۰.۰۵ به دست آمده است). بر مبنای داده های جدول (۷)، پاسخ دهنده هایی که بالای ۴۵ سال هستند، در حالت عادی از سه گروه سنی دیگر، کم تر از دشواژه بهره گرفته می گیرند که این نتیجه در حالت عصبانیت نیز برقرار است.

داده های به دست آمده از انجام آزمون تعقیبی توکی همچنین نشان می دهد میان استفاده از دشواژه در حالت عصبانیت در گروه سنی ۱۵ تا ۲۵ سال با سه گروه دیگر تفاوت وجود دارد و این تفاوت معنادار است (سطح معناداری برای این سه گروه کم تر از خطای ۰.۰۵ به دست آمده است)؛ از این رو، با توجه به اختلاف میانگین مثبت گروه ۱۵ تا ۲۵ سال از سه گروه ۲۶ تا ۳۵، ۳۶ تا ۴۵ و بالای ۴۵ سال می توان نتیجه گرفت افراد ۱۵ تا ۲۵ سال در حالت عصبانیت بیشتر از دیگر شرکت کنندگان دشواژه ها را به کار می گیرند. افزون بر موارد اشاره شده، میان استفاده از دشواژه در حالت عصبانیت به وسیله پاسخ دهندگان در گروه سنی ۲۶ تا ۳۵ سال با گروه سنی بالای ۴۵ سال نیز تفاوت معناداری دیده می شود؛ با توجه به اختلاف میانگین مثبت گروه اول از گروه دوم می توان گفت این افراد نسبت به شرکت کنندگان مسن تر در حالت عصبانیت بیشتر از دشواژه استفاده می کنند.

همان گونه که می بینید، «سن» به طور کلی بر میزان کاربرد دشواژه در حالت های عادی و عصبانیت تأثیر گذار است؛ در ادامه، کاربرد برخی از نمونه دشواژه های مورد پرسش در پرسشنامه را در حالت عادی به صورت جداگانه گروه های سنی بررسی خواهیم کرد. یافته های انجام آزمون تحلیل واریانس روی برخی از این موارد در قالب جدول (۸) گزارش می شود:

جدول ۸: میانگین میزان کاربرد هر یک از دشواژه ها بین گروه های سنی مختلف در حالت عادی

گروه سنی	تعداد	میانگین	انحراف معیار	تحلیل واریانس (F)	سطح معناداری
۱۵-۲۵ سال	۱۰۸	۲,۳۴	۱,۱۳۷	۳,۵۰۸	*۰,۰۱۵
۲۶-۳۵ سال	۱۶۷	۲,۳۱	۱,۰۴۱		
۳۶-۴۵ سال	۱۲۵	۲,۲۷	۰,۹۴۵		
بالای ۴۵ سال	۱۲۳	۱,۹۷	۰,۹۹۹		
مجموع	۵۲۳	۲,۲۳	۱,۰۳۸		

سطح معناداری	تحلیل واریانس (F)	انحراف معیار	میانگین	تعداد	گروه سنی	
۰,۰۲۸*	۳,۰۴۵	۱,۲۳۷	۲,۰۶	۱۰۸	سال ۲۵-۱۵	«پیروز»
		۱,۱۱۱	۱,۹۹	۱۶۷	سال ۳۵-۲۶	
		۱,۰۲۴	۱,۸۰	۱۲۵	سال ۴۵-۳۶	
		۰,۹۳۳	۱,۶۹	۱۲۳	بالای ۴۵ سال	
		۱,۰۸۶	۱,۸۹	۵۲۳	مجموع	
۰,۲۸۱	۱,۲۷۷	۱,۰۵۹	۱,۶۷	۱۰۸	سال ۲۵-۱۵	«قرمساق»
		۰,۸۶۹	۱,۵۴	۱۶۷	سال ۳۵-۲۶	
		۰,۹۴۰	۱,۶۲	۱۲۵	سال ۴۵-۳۶	
		۰,۸۴۲	۱,۴۵	۱۲۳	بالای ۴۵ سال	
		۰,۹۲۳	۱,۵۶	۵۲۳	مجموع	
۰,۵۷۶	۰,۶۶۲	۱,۰۱۸	۱,۶۹	۱۰۸	سال ۲۵-۱۵	«ذلیل شده/ ذلیل بشی / بمیری / ...»
		۰,۹۴۶	۱,۷۶	۱۶۷	سال ۳۵-۲۶	
		۰,۸۸۴	۱,۶۴	۱۲۵	سال ۴۵-۳۶	
		۰,۷۷۲	۱,۶۳	۱۲۳	بالای ۴۵ سال	
		۰,۹۰۸	۱,۶۹	۵۲۳	مجموع	
۰,۰۰۰*	۱۰,۰۳۳	۱,۴۶۱	۲,۷۰	۱۰۸	سال ۲۵-۱۵	«حرومزاده»
		۱,۳۵۲	۲,۳۸	۱۶۷	سال ۳۵-۲۶	
		۱,۲۱۲	۲,۲۰	۱۲۵	سال ۴۵-۳۶	
		۱,۰۱۹	۱,۸۱	۱۲۳	بالای ۴۵ سال	
		۱,۳۰۵	۲,۲۷	۵۲۳	مجموع	
۰,۰۰۰*	۶,۹۵۴	۱,۴۱۳	۲,۱۵	۱۰۸	سال ۲۵-۱۵	«پتیاره/ لکاته/ فاحشه»
		۱,۳۶۰	۱,۹۸	۱۶۷	سال ۳۵-۲۶	
		۱,۱۳۲	۱,۸۲	۱۲۵	سال ۴۵-۳۶	
		۰,۸۷۱	۱,۴۶	۱۲۳	بالای ۴۵ سال	
		۱,۲۴۰	۱,۸۵	۵۲۳	مجموع	
۰,۰۳۵*	۲,۸۹۱	۱,۰۱۸	۱,۶۴	۱۰۸	سال ۲۵-۱۵	«جک‌کش»
		۰,۸۴۵	۱,۴۲	۱۶۷	سال ۳۵-۲۶	
		۰,۸۹۵	۱,۵۰	۱۲۵	سال ۴۵-۳۶	

سطح معناداری	تحلیل واریانس (F)	انحراف معیار	میانگین	تعداد	گروه سنی
		۰,۶۶۹	۱,۳۲	۱۲۳	بالای ۴۵ سال
		۰,۸۶۴	۱,۴۶	۵۲۳	مجموع

همان گونه که از یافته‌های جدول (۸) برمی آید، از آنجایی که سطح معناداری آزمون تحلیل واریانس برای همه دشواژه‌ها، به جز دشواژه‌های «قرمساق» و «ذلیل شده/ ذلیل بشی/ بمیری»، کم‌تر از خطای ۰.۰۵ به دست آمده ($P < 0.05$)، می‌توان با اطمینان ۹۵ درصد ادعا کرد میزان کاربرد دشواژه‌های «مرتیکه/ زنیکه»، «پفیوز»، «حروم زاده»، «پتیاره/ لکاته/ فاحشه»، «ج*ا*ش» و دسته تمسخر سیاست و مذهب در گروه‌های سنی مختلف با یکدیگر متفاوت است. برای دست‌یابی به نتیجه‌ای دقیق‌تر از میزان تفاوت در کاربرد ۱۳ دشواژه مورد اشاره در چهار گروه سنی مورد بحث، آزمون تعقیبی توکی برای مقایسه دوه‌دویی میان گروه‌های سنی انجام گرفت که یافته‌های نهایی آن در ادامه گزارش می‌شود:

نتیجه انجام آزمون تعقیبی توکی نشان می‌دهد که میان میزان بهره‌گیری از دشواژه «پتیاره/ لکاته/ فاحشه» (از دسته مسائل جنسی) در گروه سنی ۱۵ تا ۲۵ سال با افراد بالای ۴۵ سال، تفاوت معناداری وجود دارد ($P = 0.00 < 0.05$). اختلاف میانگین آن‌ها نمایانگر آن است که نخستین گروه سنی بیشتر از گروه سنی آخر از این دشواژه بهره می‌گیرند؛ این نتیجه برای گروه سنی ۲۶ تا ۳۵ سال نیز برقرار است. مقایسه دوه‌دویی گروه‌های سنی در کاربرد دشواژه جنسی «ج*ا*ش» نیز نشان می‌دهد که کاربرد آن در گروه سنی ۱۵ تا ۲۵ سال با گروه بالای ۴۵ سال تفاوت چشمگیری دارد ($P < 0.05$) و این گروه در حالت عادی بیشتر از افراد بالای ۴۵ سال از دشواژه «ج*ا*ش» استفاده می‌کنند؛ از آنجا که سطح معناداری آزمون توکی برای دیگر گروه‌ها بیش از خطای ۰.۰۵ به دست آمده است، می‌توان نتیجه گرفت که کاربرد این دشواژه جنسی در حالت عادی در دیگر گروه‌های سنی با یکدیگر تفاوت معناداری ندارد.

افزون‌براین، از آنجا که سطح معناداری برای کاربرد دشواژه جنسی «ج*د*» در گفتار عادی پاسخ‌دهندگان که بین ۱۵ تا ۲۵ سال سن داشته‌اند با سه گروه سنی دیگر کم‌تر از خطای ۰.۰۵ به دست آمده است، می‌توان با اطمینان ۹۵ درصد گفت که میان بهره‌گیری از این دشواژه در گروه سنی اول با سه گروه دیگر تفاوت وجود دارد؛ به این ترتیب و با توجه به اختلاف میانگین مثبت گروه سنی اول از بقیه گروه‌ها (۰.۴۸۲، ۰.۵۴۷، ۰.۹۴۱) می‌توان نتیجه گرفت که شرکت‌کنندگان که بین ۱۵ تا ۲۵ سال سن دارند در حالت عادی بیشتر از هم‌تایان بزرگ‌تر از

خود دشواژه «ج*د*» را به کار می‌برند. همچنین، هر دو گروه سنی ۳۵-۲۶ و ۴۵-۳۶ به‌طور معناداری بیشتر از گروه بالای ۴۵ سال از این دشواژه بهره می‌گیرند.

همچنین، یافته‌های به‌دست‌آمده از آزمون تعقیبی توکی نشان می‌دهد که در حالت عادی بهره‌گیری از دشواژه‌های تشبیه به حیوانات («خر/ نره‌خر/ الاغ/ گاو/ گوساله») در گروه ۱۵ تا ۲۵ سال با دو گروه ۳۶-۴۵ و بالای ۴۵ سال تفاوت داشته و این تفاوت معنادار است ($P=0.001 < 0.05$ & $P=0.00 < 0.05$)؛ اختلاف میانگین مثبت میان این گروه‌ها نمایانگر آن است که افراد ۱۵ تا ۲۵ ساله بیشتر از دو گروه دیگر از دشواژه‌های مربوط به دسته «تشبیه به حیوانات» استفاده می‌کنند. همچنین، اختلاف منفی کاربرد این دشواژه (۰,۶۰۴-) در گروه سنی بالای ۴۵ سال با گروه ۲۶-۳۵ سال، نشان می‌دهد که آخرین گروه سنی پژوهش حاضر کم‌تر از افراد ۲۶ تا ۳۵ ساله در حالت عادی از این جنس دشواژه‌ها بهره می‌گیرند.

افزون‌براین، گفتنی است که میزان کاربرد دشواژه «دیوث» از دسته انگ‌ها در گروه سنی بالای ۴۵ سال با همه گروه‌های دیگر متفاوت است (سطح معناداری کم‌تر از خطای ۰,۰۵ به دست آمده است ($P < 0.05$))؛ اختلاف میانگین منفی این گروه با سه گروه سنی جوان‌تر، نشان می‌دهد که مسن‌ترین شرکت‌کنندگان کم‌تر از بقیه از این دشواژه استفاده می‌کنند؛ مشابه همین نتیجه برای انگ «احمق/ بی‌شعور» و همچنین دشواژه‌های مربوط به دسته «تمسخر سیاست و مذهب» نیز برقرار است: گروه‌های سنی ۲۵-۱۵، ۳۵-۲۶ و ۴۵-۳۶ در حالت عادی بیش از هم‌تایان خود در رده سنی بالای ۴۵ سال، از دشواژه «احمق/ بی‌شعور» استفاده می‌کنند و همچنین، بیش از دیگران، سیاست و مذهب را مورد تمسخر قرار می‌دهند. در ادامه، به بررسی تأثیر سن بر میزان کاربرد دشواژه‌ها در حالت عصبانیت می‌پردازیم که به شرح جدول (۹) آمده است.

جدول ۹: میانگین میزان به کارگیری دشواژه‌ها در حالت عصبانیت میان گروه‌های سنی

مختلف

سطح معناداری	F	انحراف معیار	میانگین	تعداد	گروه سنی	
۰,۱۴۷	۱,۷۹۶	۱,۲۰۳	۲,۱۹	۱۰۸	سال ۱۵-۲۵	(۱) «الهی/ایشالله بمیری/ خدا خفّعات کنه» و مانند آن
		۱,۰۳۰	۲,۰۰	۱۶۷	سال ۲۶-۳۵	
		۱,۱۴۹	۲,۱۰	۱۲۵	سال ۳۶-۴۵	
		۱,۰۷۷	۲,۲۹	۱۲۳	بالای ۴۵ سال	
		۱,۱۱۰	۲,۱۳	۵۲۳	مجموع	

سطح معناداری	F	انحراف معیار	میانگین	تعداد	گروه سنی	
۰,۲۳۴	۱,۴۲۶	۰,۸۸۱	۱,۵۰	۱۰۸	۱۵-۲۵ سال	(۲) «ابوالفضل بزنه به کمرت» و موارد مشابه «به حق پنج تن نابود بشی» و مانند آن «به حق فاطمه‌الزهرا گرفتار و مریض بشی» و مانند آن
		۰,۷۵۴	۱,۳۶	۱۶۷	۲۶-۳۵ سال	
		۰,۹۱۲	۱,۵۴	۱۲۵	۳۶-۴۵ سال	
		۰,۸۹۰	۱,۵۳	۱۲۳	بالای ۴۵ سال	
		۰,۸۵۴	۱,۴۷	۵۲۳	مجموع	
۰,۰۰۰*	۲۵,۰۰۸	۱,۴۷۲	۳,۲۴	۱۰۸	۱۵-۲۵ سال	(۳) استفاده از اسامی اندام‌های تناسلی، یا اشاره به هر نوع عمل/رابطه جنسی مانند «ک*ن*گشاد»، «ک*خُل»، «گای*دن» و موارد مشابه
		۱,۴۱۱	۲,۸۲	۱۶۷	۲۶-۳۵ سال	
		۱,۳۶۰	۲,۴۸	۱۲۵	۳۶-۴۵ سال	
		۱,۰۴۰	۱,۸۰	۱۲۳	بالای ۴۵ سال	
		۱,۴۲۳	۲,۵۹	۵۲۳	مجموع	
۰,۰۰۰*	۱۶,۷۷۶	۱,۳۷۶	۲,۷۸	۱۰۸	۱۵-۲۵ سال	(۴) اشاره به هر نوع «عمل دفع» (خارج شدن هر گونه مایعات و فضولات از بدن اعم از بینی و یا از نواحی شرمگاهی)، مانند «گ*زیدن»، «ش*شی*دن»، «ر*دن» و موارد مشابه
		۱,۱۸۱	۲,۵۴	۱۶۷	۲۶-۳۵ سال	
		۱,۲۴۰	۲,۱۸	۱۲۵	۳۶-۴۵ سال	
		۱,۰۷۸	۱,۷۴	۱۲۳	بالای ۴۵ سال	
		۱,۲۶۹	۲,۳۲	۵۲۳	مجموع	

همان‌گونه که در جدول (۹) نشان داده شده است، سطح معناداری آزمون تحلیل واریانس روی دو دسته اول دشواژه‌ها که مربوط به دسته مرگ و بیماری هستند، بیشتر از خطای ۰.۰۵ به دست آمده است ($P > 0.05$). به این ترتیب می‌توان گفت «سن» متغیر اثرگذاری بر میزان کاربرد این دسته از دشواژه‌ها در حالت عصبانیت نیست؛ این در حالی است که سطح معناداری برای دشواژه‌های جنسی و نجاسات کم‌تر از خطای ۰.۰۵ به دست آمد، بنابراین، می‌توان با اطمینان ۹۵ درصد نتیجه گرفت که سن بر میزان کاربرد این دسته از دشواژه‌ها هنگام عصبانیت تأثیرگذار است.

روی‌هم‌رفته، دلیل تفاوت رفتار زنان و مردان در استفاده از دشواژه‌ها را می‌توان بر مبنای دیدگاه ادب و ایده مؤدب‌تر بودن زنان، که به وسیله لیکاف و باچولتز (Lakoff & Bucholtz, 2004) مطرح شد، تبیین کرد. هولمز (Holmes, 2013) نیز همسو با لیکاف و باچولتز

(Lakoff & Bucholtz, 2004) بر این باور است که زنان در مکالمه‌ها، سخنگویانی تسهیل‌گر و مؤدب هستند. همچنین، در مورد «سن» همان‌گونه که دیدیم، افراد در سنین پایین‌تر بیشتر از دشواژه بهره می‌گیرند و البته فراوانی دشواژه‌های رکیک‌تر نیز در این سنین بیشتر بود. در این زمینه، وارداف (Wardhaugh, 2009, p. 239) بر این باور است که برخی افراد برای نشان‌دادن آزادی خود از بند محدودیت‌های اجتماعی از تابوها بهره می‌گیرند. از این‌رو، می‌توان شکستن تابوهای زبانی از سوی افراد جوان‌تر را به‌نوعی مقاومت در برابر هنجارها و عرف جامعه سنتی ایرانی و نیز ایجاد تغییرات اجتماعی و زبانی قلمداد کرد.

۶. نتیجه‌گیری

در این پژوهش تأثیر دو متغیر اجتماعی «جنسیت» و «سن» بر کاربرد «دشواژه‌ها» در گفتار گویشوران فارسی‌زبان مورد بررسی قرار گرفت. به این منظور، پرسشنامه‌ای محقق‌ساخته طراحی و به‌صورت تصادفی میان ۵۲۳ زن و مرد فارسی‌زبان در چهار گروه سنی ۲۵-۱۵، ۳۵-۲۶، ۴۵-۳۶ و بالای ۴۵ سال پخش شد. نتیجه آزمون‌های آماری نشان داد میزان کاربرد دشواژه توسط زنان و مردان در گفتار عادی و نیز هنگام عصبانیت به‌طور معناداری با یکدیگر متفاوت بوده و مردان در هر دو حالت بیشتر از زنان از دشواژه استفاده می‌کنند. همچنین، تحلیل تک به تک مصادیق مورد پرسش در پرسشنامه نشان داد جنسیت بر کاربرد ۱۲ نمونه از کل ۱۵ نمونه دشواژه مورد پرسش تأثیرگذار است (سطح معناداری آزمون تی در این موارد کم‌تر از خطای ۰.۰۵ به‌دست آمد). بر مبنای یافته‌های تحلیل‌های آماری، مردان در حالت عادی بیشتر از زنان از دشواژه‌هایی که درجه رکاکت آن‌ها بالاتر است (دسته‌های «مسائل جنسی»، «دفعیات بدن» و «انگ‌ها»، بهره می‌گیرند، ولی میانگین کاربرد دشواژه‌های مربوط به دسته «مرگ و بیماری (نفرین)» و مورد «احمق/بیشعور» در زنان بیشتر است. همچنین، تفاوت میان زنان و مردان در کاربرد دشواژه‌های جنسی و نجاسات هنگام عصبانیت نیز معنادار است و مردان بیشتر از زنان این دشواژه‌ها را به کار می‌برند.

پس از انجام آزمون تحلیل واریانس و اطمینان از تأثیر متغیر «سن» بر کاربرد دشواژه‌ها در حالت عادی و عصبانیت، آزمون تعقیبی توکی برای مقایسه دوه‌دویی گروه‌های سنی مختلف با یک‌دیگر انجام شد؛ یافته‌های به‌دست آمده از این آزمون نشان داد شرکت‌کنندگان ۲۵-۱۵ سال در حالت عصبانیت بیش از سه گروه دیگر و در حالت عادی بیشتر از دو گروه سنی آخر از عبارات توهین‌آمیز بهره می‌گیرند. بررسی تک‌به‌تک «دشواژه‌ها» میان گروه‌های سنی نشان داد افراد در سنین مختلف و در حالت عادی از همه نمونه‌ها، غیر از دو نمونه «قرمساق» و «ذلیل‌شده/ذلیل‌بشی/بمیری»، به صورت متفاوتی استفاده می‌کنند. یافته‌های به‌دست آمده از آزمون توکی در

این راستا نمایانگر آن است که پاسخ دهندگان ۱۵ تا ۲۵ ساله در بیشتر موارد که رکاکت بیشتری نیز دارند، بیش از دیگر گروه‌های سنی از دشوازه استفاده می‌کنند؛ این در حالی است که افراد بالای ۴۵ سال در حالت عادی کم‌ترین میزان استفاده از عبارات توهین آمیز را دارند. در بررسی تأثیر سن بر کاربرد دشوازه در حالت عصبانیت نیز مشخص شد که تفاوت معناداری در بین گروه‌های سنی مختلف از جنبه بهره‌گیری از دشوازه‌های جنسی و نجاسات وجود دارد ($P < 0.05$). جوان‌ترین شرکت کنندگان (۱۵-۲۵ سال) در حالت عصبانیت بیشتر از دو گروه ۴۵-۳۶ و بالای ۴۵ سال دشوازه‌های جنسی و نجاسات را به کار می‌برند؛ همچنین، افراد بالای ۴۵ سال در این حالت نیز کم‌ترین میزان کاربرد دشوازه را داشتند. در پایان، گفتنی است که یافته‌های این پژوهش بر اساس پرسشنامه‌ای به دست آمده که مبتنی بر خوداظهاری شرکت کنندگان و تا اندازه بسیاری وابسته به صداقت و حتی آگاهی افراد از رفتار خود بستگی دارد که این نکته از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر و نیز همه پژوهش‌های میدانی و پیمایشی است که در کنترل پژوهشگر نیست و ممکن است بر میزان فراگیر بودن یافته‌ها تأثیر بگذارد.

فهرست منابع

ارباب، سپیده (۱۳۹۱). «بررسی و طبقه‌بندی دشوازه‌های رایج فارسی در تداول عامه». پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی. دوره ۲. شماره ۴. صص ۱۲۴-۱۰۷.

Retrieved from <<https://www.magiran.com/p1098775>>

تفرجی یگانه، مریم (۱۳۹۵). «تحلیل به کارگیری دشوازه در فیلم‌های سینمای ایران از منظر جامعه‌شناسی زبان و رابطه آن با جنسیت بازیگران». مطالعات فرهنگ-ارتباطات. دوره ۱۷. شماره ۳۵. صص

۱۶۶-۱۵۱. <https://doi.org/10.22083/jccs.2016.42575>

رضایی، فاطمه، بهزاد رهبر و محمدرضا عروجی (۱۴۰۱). «ارزیابی ادب گوینده و منزلت اجتماعی نابرابر و برابر در محیط دانشگاهی با توجه به متغیر جنسیت». زبان پژوهی. دوره ۱۴. شماره ۴۵. صص ۳۲-۹.

<https://doi.org/10.22051/JLR.2021.33081.1927>

References

- Alqahtani, S. M., Busabaa, N. A., & Salih, H. M. (2022). A change in Saudi attitudes from use of euphemism to taboo: A sociolinguistic study. *Journal of Language Teaching and Research*, 13(3), 561-571. <https://doi.org/10.17507/jltr.1303.12>
- Arbab, S. (2013). The study and the classification of Persian colloquial taboo words. *Journal of Comparative Linguistic Researches*, 2(4), 107-124. Retrieved from <https://www.magiran.com/p1098775> [In Persian]
- Battistella, E. (2005). *Bad language: Are some words better than others?* Oxford University Press. <https://doi.org/10.30465/lsi.2020.7582>

- Gao, C. (2013). A sociolinguistic study of English taboo language. *Theory and Practice in Language Studies*, 3(12), 2310-2314.
<https://doi.org/10.4304/tpls.3.12.2310-2314>
- Gao, G. (2008). Taboo language in *Sex and the City*: An analysis of gender differences in using taboo language in conversation. Retrieved from <https://urn.kb.se/resolve?urn=urn:nbn:se:hkr:diva-943>
- Hashamdar, M., & Rafi, F. (2018). Social identity and use of taboo words in angry mood: A gender study. *Theory and Practice in Language Studies*, 8, 623-629.
<https://doi.org/10.17507/tpls.0806.11>
- Holmes, J. (1992). Women's talk in public contexts. *Discourse & Society*, 3(2), 131-150. Retrieved from <http://www.jstor.org/stable/42887783>
- Holmes, J. (2013). *An introduction to sociolinguistics* (4th ed.). Routledge.
<https://doi.org/10.4324/9781315833057>
- Houssaini, K. (2019). A sociolinguistic approach of taboo words in Moroccan society. *European Scientific Journal, ESJ*, 15(29), 37-53.
<https://doi.org/10.19044/esj.2019.v15n29p37>
- Jay, T. (1996). *What to do when your students talk dirty*. Resource Publications. Retrieved from <https://books.google.ru/books?id=ekBAAAACAAJ>
- Jay, T. (2009). The utility and ubiquity of taboo words. *Perspectives on Psychological Science*, 4(2), 153-161.
<https://doi.org/10.1111/j.1745-6924.2009.01115.x>
- Lakoff, R. T., & Bucholtz, M. (2004). *Language and woman's place: Text and commentaries*. Oxford University Press. Retrieved from <https://books.google.ru/books?id=d-xMEdpNhzAC>
- Rahmayani, D. P., & Fitrawati, F. (2018). Analysis types and functions of taboo words in *The Wolf of Wall Street* movie. *English Language and Literature*, 7(3), 2310-2314. <https://doi.org/10.24036/ell.v7i3.101187>
- Rezaee, F., Rahbar, B., & Oroji, M. (2022). Evaluation of the speaker's politeness based on unequal social status and the gender of the audience with equal social status in the university environment. *ZABANPAZHUI (Journal of Language Research)*, 14(45), 9-32.
<https://doi.org/10.22051/JLR.2021.33081.1927> [In Persian]
- Sari, Y. P. (2020). An analysis of types of taboo words in *Parker* movie. *Humanis*, 24(3), 232-237. <https://doi.org/10.24843/JH.2020.v24.i03.p01>
- Tafaraji Yeganeh, M. (2017). The sociolinguistics analysis of taboo application in Iranian cinematic films and its relation with actor or actress' gender. *Journal of Culture-Communication Studies*, 17(35), 151-166.
<https://doi.org/10.22083/jccs.2016.42575>
- Wardhaugh, R. (2009). *An introduction to sociolinguistics* (6th ed.). Wiley. Retrieved from https://books.google.com/books?id=N7U3HkPpj_MC
- Wene, I. W., & Ena, O. T. (2020). Cursing, sexual harassment, profanity, obscenity and epithet in *Dallas Buyers Club* movie. *JOALL (Journal of Applied Linguistics and Literature)*, 5(1), 71-87.
<https://doi.org/10.33369/joall.v5i1.8920>

